

## آیا بهشت ابدی باعث ملال و خستگی نمی شود؟

یکی از اعتقادات اصلی و اساسی در دین مبین اسلام، وجود جهان آخرت است و این که انسان در جهان آخرت ابدی خواهد بود و دیگر مرگی نخواهد داشت؛ این اعتقاد از ضروریات اسلام بوده و از آیات قرآن کریم استنباط می شود.



یکی از اعتقادات اصلی و اساسی در دین مبین اسلام، وجود جهان آخرت است و این که انسان در جهان آخرت ابدی خواهد بود و دیگر مرگی نخواهد داشت؛ این اعتقاد از ضروریات اسلام بوده و از آیات قرآن کریم استنباط می شود.

بر این اساس امروزه یکی از شبهاتی که توسط دشمنان این آیین مقدس مطرح می شود این است که آنان با حالت تمسخر می گویند: اگر انسان به بهشت برود، آیا بهشت برای او خسته کننده و ملال آور نخواهد بود؟ به عبارت دیگر می گویند انسان در این دنیا از خوردن و خوابیدن و لذات دنیوی بعد از مدتی احساس خستگی می کند، یعنی بعد از مدتی هرچند زیاد، مثلاً هزار سال، دیگر میلی به تکرار این لذات ندارد و همین لذات دنیایی که روزی برای آن بسیار تلاش می کرد و سر و دست می شکست، برای او ملال آور شده و خسته کننده می شود؛ اگر در بهشت هم تا ابد بماند و کارش خوردن و خوابیدن و لذات دنیایی باشد، بدون شک خسته شده و زندگی برای او ملال آور خواهد بود.

به این شبهه می توان به چند صورت پاسخ داد:

پاسخ اول: در انسان حسی وجود دارد به نام «میل به جاودانگی». یعنی انسان از مرگ و نیستی و از بین رفتن متنفر است؛ لذا این حس در جهان آخرت پاسخ داده می شود و وجود جهان آخرت در واقع پاسخی است به این میل و درخواست فطری آدمی؛ پس خلود در بهشت و یا جهنم ندای فطرت آدمی است و انسان با چیزی که پاسخ میل درونی اوست، اصلاً احساس خستگی نکرده و برای او ملال آور نخواهد بود.

پاسخ دوم: این که گفته شده همه انسان ها از لذات دنیوی خسته می شوند، قانونی کلی نیست، بلکه هستند انسان هایی که ۷۰ یا ۸۰ سال مشغول این لذات هستند و هرگز از آن ها خسته نشده اند، بلکه خواهان همان لذات هستند، ولی دوست دارند تنوع داشته باشد و شکل جدیدی را پیدا کند، مثلاً ماشینش بهتر شود، اما هرگز از ماشین سواری خسته نمی شود، لذا بین تنوع طلبی و ملال آوری فرق است؛ و می توان گفت خداوند متعال برای انسان ها در بهشت همیشه تازگی و تنوع ایجاد کرده تا ملال آور نباشد.

پاسخ سوم: قرآن کریم می فرماید: «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ [ق/۳۵] هر چه بخواهند در بهشت برای آن ها هست، و نزد ما نعمت های دیگری نیز وجود دارد» لذا هر آن چه انسان اراده کند و بخواهد، در بهشت برای او مهیا می شود، لذا خستگی آور نیست، یعنی به محض این که احساس کنیم چیزی ما را دل زده کرده است، اراده چیز جدیدی می کنیم و به سرعت مهیا می شود و هرگز ملال آور نخواهد بود، چیزی ملال آور است که یکسان بوده و انسان هر روز با او سروکار داشته باشد. اما اگر به خواست و اراده ما تغییر کند، دیگر ملال آرو نخواهد بود.

پاسخ چهارم: این خستگی و ملال آوری از خصلت های دنیاست و لازمه این نظام و این بدن مادی است. چه بسا نظام آخرت و بهشت، با این دنیا متفاوت باشد و خصوصیات خاص خود را داشته باشد با اقتضائات خاص خود، درست مانند شکم مادر و دنیای بیرونی، اگر به بچه در شکم مادر گفته شود در بیرون دنیایی وجود دارد که به جای خون، خود میوه ها و غذاهای لذیذ را می توانی بخوری، ممکن است بگوید نه این جا راحت و همین خون مادر برایم کافیست و از این راه تغذیه می کنم، در حالی که ما چون بیرون را تجربه کرده ایم، می دانیم این دنیای خارجی بسیار عالی تر و بهتر از دنیای دورن شکم مادر است. آخرت نیز همین گونه است، مطمئناً بهشت با نعمت هایی که در آن است اصلاً با دنیا قابل قیاس نیست و بسیار متفاوت است؛ نظام و سیستمی غیر از نظام حاکم بر این دنیا را دارد.

پاسخ پنجم (پاسخ اصلی)

انسان موجودی کمال جو بوده و به دنبال کمال مطلق است، بر همین اساس است که از هر چیزی نهایت آن را می خواهد و به چیزهایی که در دنیا وجود دارد قانع نیست. به طور مثال قدرت مطلق را می خواهد، لذا به دنبال تسخیر کل دنیاست، زیبایی مطلق را می خواهد و ... بر اساس این حس است که از نعمت های دنیا سیر شده و برای او ملال آور خواهد بود، زیرا انسان گم شده خود را در آن نمی یابد، این حس درونی و فطری انسان است که سیر نمی شود و به دنبال بی نهایت می گردد، یعنی

دوست دارد از هر چیزی بهترین آن را را داشته باشد. آدمی، این موجود بی‌نهایت را در هرگز در نعمت‌های دنیوی پیدا نمی‌کند، لذا برای او ملال‌آور و خسته کننده می‌شود و در خود بک نوع ناامیدی و پوچی احساس می‌کند، چون غایت‌القصوی و آرزوی خود را به دست نیاورده است.

اما در بهشت آدمی غایت‌القصوی و آمل و آرزوی خود را می‌یابد و از دورن احساس می‌کند موجود بی‌نهایت را درک کرده و به او رسیده است و آن موجود، خداوند متعال است. انسان در بهشت احساس می‌کند خدا را دارد و خداوند عزوجل از او راضی است، لذا چیز دیگری را طلب نمی‌کند، نفس آدمی به آرامش و طمانینه رسیده است و دیگر نیازی به چیز دیگری ندارد، به همین خاطر خستگی برای او معنا ندارد، او به تمام آمل و آرزوی خود رسیده است.

به همین خاطر است که خداوند متعال از نعمت رضایت و یاد خدا به عنوان بزرگ‌ترین نعمت خود یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ [توبه/۷۲] خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر(درختان) آن جاری هستند، جاودانه در آن خواهند ماند، و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های عدن(نصیب آن‌ها ساخته) و رضا (و خوشنودی) خدا (از همه این‌ها) برتر است! و پیروزی بزرگ همین است».

بر این اساس رضایت الهی و این‌که انسان از درون احساس می‌کند، خدا را در خود دارد و به خدا رسیده است، حس انسان برای رسیدن به موجود بی‌نهایت را پاسخ می‌دهد، چرا که خداوند متعال همان موجود بی‌نهایت است که آدمی به دنبال او می‌گشت، و با پیدا کردن او و این حس، که خداوند متعال از او راضی است، انسان به آرامش ابدی رسیده و نفس انسان چیزی بیشتر از آن را اراده نمی‌کند تا احساس کمبود کند، بلکه به نهایت آرزوی خود رسیده و دیگر تمنایی ندارد.

البته این نکته هم نباید فراموش شود که آدمی از نعمت‌های بهشتی استفاده می‌کند و چنین نیست که نیازهای انسان و حوائج مادی او از بین برود، نه این نیازهای انسانی او هست و انسان‌های بهشتی از نعمت‌های آن‌جا استفاده می‌کنند؛ اما این نعمت‌ها هدف او نیستند تا از آن‌ها خسته شود، بلکه هدف و غایت او موجودی بی‌نهایت است که در اوج قدرت و علم و زیبایی است و وقتی به او رسیده به غایت و هدف خود رسیده است و چیزی بالاتر از او وجود ندارد تا آن را تمنا کند، لذا نفس آدمی آرام گرفته و به آرامش خواهد رسید. به همین خاطر است که انسان بهشتی، تا ابد در بهشت خواهد بود و هرگز خسته نخواهد شد.